



29 ای برادران من، مقصودم این است: وقت زیادی باقی نمانده است و از این پس حتی آنانی که زن دارند، باید طوری زندگی کنند که گویا مجرد هستند 30. عزاداران طوری رفتار نمایند که گویی غمی ندارند. خوشحالان طوری زندگی کنند که گویی خوشی را فراموش کرده‌اند و خریداران طوری رفتار کنند که گویی مالک آنچه خریده‌اند، نیستند 31 و کسانی که به کارهای دنیوی اشتغال دارند، طوری زندگی کنند که دل‌بسته این جهان نشوند. زیرا حالت کنونی جهان بزودی از بین خواهد رفت.

"من شگفت زده هستم که حزب مسیحی بیش از ۲۰۰۰ سال توانسته است زنده بماند." این سوال از یک دوستم. اما این سوال برای همه انسان‌ها جیب است: حقیقت در چه چیزی در مسیحیت است، که آن قدر قدرت دارد که باقی بماند؟ احزاب سیاسی معمولاً یک تاریخ انقضا کوتاه دارند. یک "پیامبر دروغین" می‌تواند به معنای پایان دادن به آن باشد. اما کلیسا از آزار و اذیت، تقلب، شکنجه، جنگ و هر چیز دیگری که ممکن است از قفسه قلب شیطان خارج شود، جان سالم به در برد. و آیا وسوسه از خارج یا از درون ظاهر شد، کلیسا از همه چیز جان سالم به در برد. چرا؟ متن خطبه امروز به دقت تشریح می‌کند کجا می‌توانیم حقیقت مسیحیت را پیدا کنیم. آنچه که در مسیحیت می‌تواند ما را نگه دارد و حمل می‌کند چیست؟ و چه چیزی می‌تواند باقی بماند؟ و چه به زودی از بین خواهد رفت. آیا مسیح فقط یک مأموریت تعصبی با چند مأمور دیوانه است؟ یا او همانگونه که خودش شهادت داده است، خدای زنده در میان ماست؟ و اگر مسیح بدن انسان در میان ما باشد، ما از چه انتظاری داریم؟ و حتی بهتر از این سوال این است: چه چیزی او از ما انتظار دارد؟ عیسی چیزی بیش از این از ما انتظار ندارد: او می‌خواهد با ما باشد! او می‌خواهد با شما باشد در کار شما، در ازدواج شما، در خانواده شما هنگامی که شما خرید می‌کنید و یا زمانی که شما چیزی را به فروش می‌رسانید، او هم می‌خواهد با شما باشد. در طول نامه به قرن‌تینان، پولس مکرراً تلاش می‌کند تا ادعا کند که مسیح نه تنها از لحاظ معنوی موجود است، بلکه درحقیقت هم در جسم نیز حضور دارد. "ما معابد روح القدس هستیم" (1 قرن‌تینان 6: 19). به همین دلیل است که تمام زندگی ما مال مسیح است. کلیسا نیز بدن مسیح است و ما مسیحیان اعضای بدن یک مسیح هستیم. این بدان معنی است که ما از طریق غسل تعمید به عیسی مسیح متصل شدیم. بنابراین این حقیقت در هر جزئیات زندگی ما پیامدهایی دارد. چگونه من ازدواج می‌کنم و اگر من ازدواج نکرده‌ام، چگونه به عنوان یک فرد تنها زندگی می‌کنم. این همه مربوط به مسیح است. چیزی که من با بدنم انجام می‌دهم، چیزی در مورد مسیح است! این غیر مسیحی است که انسان بگویند "بدنم متعلق به من است!" از این حقیقت، مارتین لوتر در اولین پایان نامه اش می‌گوید که تمام عمر ما توبه دائمی و بازگشت مداوم به این مسیح است. چرا؟ از آنجا که تمام زندگی ما تنها از طریق مسیح به طرف ابدیت است. ازدواج و ایجاد یک خانواده چیزهای ارزشمندی هستند، اما اگر ما مجبور باشیم این چیزها از دست خواهیم داد، به هر حال، چه چیزی به ما کمک می‌کند؟ در بهشت عیسی خانواده ما خواهد بود و ازدواج ما بین مسیح و ما خواهد شد. و اگر ثروت زیادی در دنیا داشته باشیم، باید آن را تمام کنیم. در بهشت، خداوند گنج ما خواهد بود. پس ما هیچ چیز را برای آرزو نداریم. اساساً، واژه‌های پولس از یک آزادی بزرگ صحبت می‌کند. ما مسیحیان باید مالکیت داشته باشیم، اما در عین حال طوری زندگی کنیم که آن را نداریم. ما همچنین ازدواج کنیم اما به گونه‌ای زندگی کنیم که ازدواج نکرده‌ایم. اگر ازدواج نکرده‌ایم، به گونه‌ای زندگی کنیم انگار که ازدواج کرده‌ایم. و حتی زمانی که ما غمگین هستیم، غم ما یک نشانه مثبت می‌شود، زیرا می‌دانیم که خدا تمام اشک‌ها را از چشمان ما پاک خواهد کرد. تمرکز ما بر روی مسیح باقی می‌ماند. ما در راه مسیح هستیم. و این هدفی است، که ما در ذهن داریم، همچنین تمام موجودیت ما را بر روی زمین تعیین می‌کند. در همان زمان پولس اعلام کرد: مسیح به زودی می‌آید. ما مثل کسانی هستیم که بر چمدان‌ها نشسته و منتظر آخرین تماس هستند. سوال این است که ما چه چیزی را در این مورد حمل کنیم. بسیاری از اعضای کلیسا ما مجبور بودند همه چیز را که در خانه داشتند ترک کنند. در چمدان‌ها جا برای چیزهای بی‌اهمیت وجود داشت. برخی کوله پشتی بسیار کوچک داشتند.

چه چیزی را من با خود ببرم؟ چه چیزی در خانه مانده بود؟ در دنیای ما، مردم بیشتری هستند که باید از جایی به جایی بروند. این افراد نیز دقیقا می دانند که منظور از چمدان زندگی است. این زندگی از چمدان واقعی مثل زندگی مسیحی است. به عنوان مسیحیان، ما نیز از چیزهایی از این جهان استفاده می کنیم. ما ازدواج کردیم، برای کار زندگی می کنیم، خرید و فروش می کنیم. به مدرسه می رویم. اما ما این کار را از چمدان انجام می دهیم. هدف ما این است که نهایی نباشیم حتی اگر خانه ها را راه اندازی کنیم و در این دنیا برای خودمان خانه بسازیم، این کار را فقط تحت نشانه ای انجام می دهیم چون ما در جاده هستیم. ما در راه مسیح هستیم. اما ممکن این اتفاق بیافتد که چیزهایی از این جهان ما به زندگی ما می چسبند. قلب انسانی ما کوچک و ضعیف است. بنابراین ما خودمان را به چیزهای این جهان متصل می کنیم. و نمی توانیم جهان دیگری را از این جهان تصور کنیم. و وقتی خانواده، بچه ها، پول و خوبی را از دست می دهیم، ما شکست خورده ایم. چند نفر وجود دارند که پس از یک رابطه شکسته خودکشی می کنند؟ یا اگر اموال خود را از دست داده اند، دیگر نمی خواهند زندگی کنند؟ پولس می خواهد ما را از این اوراق قرضه آزاد کند. اگر خداوند به ما ازدواج یا چیزهایی از این جهان دهد، پس می دانیم که از او یک وام گرفتیم. در هر زمان و هر روز، ما نیز آماده هستیم تا این موارد را رها کنیم. آنها به ما چسبیده نشدند. چون چشمان ما به مسیح نگاه می کنند. قبل از آغاز روز، ما روز را در دست خدا قرار می دهیم: "خداوند من خودم را جسم و جانم و همه چیز را به دست تو می سپارم. فرشته مقدس تو با من باشد که دشمن شریر بر من تسلط نداشته باشد! وقتی ما به خواب می رویم، همین کار را می کنیم. هنگامی که ما به خواب می رویم، تمرین کنیم برای یک روز در حال حاضر میمیریم. ما بخشش تمام گناهانمان را می خواهیم. و زندگی مان را در دستن مسیح قرار می دهیم. سپس ما بی سر و صدا به خواب می رویم تا در جهان جدید بیدار شویم. همانطور که ما به خواب می رویم، زندگی هم می کنیم. در همه چیز ما چشم هایمان را بر مسیح نگه می داریم. ما دوباره و دوباره از انسان های غیر مسیحی مورد نقد قرار می گیریم چون که ما مسیحان می خواهیم دنیايمان را ترک کنیم. من می توانم انتقاد را کمی درک کنم. از آنجا که مسیحیان همیشه وجود داشتند، که ازدواج، یا اموال فروختن را ممنوع کردند. آنها تنها در صحرا زندگی می کردند تا تماس کامل با جهان را قطع کنند. این رفتار مسیحی نیست. این کار بیشتر از تعصب انسان می آید. زندگی مسیحی در وسط زندگی است. و در زندگی و مرگ؛ در غم و شادی؛ در هنگام تولد و مرگ با مسیح هم تراز شده است. از طریق مسیح ما شبیه یک کشتی هستیم، که کاملا محکم است و با وجود وزش باد و طوفان محکم در جای خود قرار دارد. وقتی ما در میان زندگی هستیم و با این حال به مسیح نگاه می کنیم، مردم آن را می بینند. آنها متوجه شوند که مسیح یک حزب سیاسی نیست و حتی حقیقت است. مردم در زندان ها و در اتاق های شکنجه شهادت می دهند که خود افرادی که شکنجه کرد فهمیدند که مسیح حقیقت است. آنها همچنین متوجه شده اند که مسیح زنده و درست است. اما ما مجبور نیستیم ابتدا در یک اتاق شکنجه شویم تا انجیل را شهادت دهیم. ما می توانیم این کار را در زندگی عادی مان انجام دهیم. در گذشته من مجاز به کار در میان مردم هند بودم، من به یاد دارم که هندوها همیشه در مراسم خاکسپاری در مورد خانواده مسیحی عصبانی بودند. آنها شکایت کردند، زیرا مسیحیان در مراسم تدفین به اندازه کافی گریه نمی کردند. حداقل یک بار من یک شهادت ساده و واقعی مسیحی را به یاد می آورم: "ما دیگر نیازی به گریه نداریم، زیرا مسیح ما را از مردگان بلند می کند!" در متن خطبه امروز پولس به طور واضح نشان می دهد که زندگی مسیحی چگونه است. زندگی ما بین دو جهان است. ما در جهان مانند همه افراد دیگر در جهان هستیم. ما خودمان را از این جهان جدا نمی کنیم، اما ما از دنیای دیگری که در بهشت است، می دانیم. نه تنها ما در مورد این جهان می دانیم، بلکه ما در حال حاضر به شدت در این دنیای جدید تمرکز می کنیم. شما می توانید این تمرکز را مثل سفر تصور کنید: اگر من می خواهم به کشور دیگری سفر کنم، من باید برنامه ریزی و آماده سازی زیادی کنم. مهمترین چیزها در مورد بلیط هواپیما و گذرنامه با ویزا است! ویزا و بلیط پرواز اطمینان حاصل کند که من مجاز به سفر به این کشور هستم. اگر این چیزها را ضمانت کردم، اکنون چمدانم را می بندم. وقتی به واسطه زمستان آلمان به آفریقا سفر می کنم، من تن پوش های حمام و تی شرت هایم را بسته بندی می کنم. این چیزی است که من در زمستان آفریقای به آن نیاز دارم. ژاکت ضخیم خود را در زمستان آلمان ترک می کنم من به آنها نیاز ندارم. همانطور است که من در مورد سفر به بهشت فکر می کنم. گذرنامه من از طریق غسل تعمید است مرگ عیسی بر روی صلیب مهر و موم گذرنامه ام است. به همین دلیل من مجاز به سفر به بهشت هستم! و در درون آسمان من کار مسیح را در پاسپورت من ارائه خواهم کرد. حال همه چیز را به آسمان می دهم. آیا می خواهید بدانید که چه چیزی برای بهشت نیاز دارید؟ این آسان است: از کسی که قبلا در اینجا است بپرس این عیسی است! آمین.